

کیهان

حج از بزرگ‌ترین شـعائر الهی است که نماد تجلی وحدت اسلامی و عبادی سیاسی اجتماعی است. از نظر قرآن کسانی که مانع از اجرای مناسک حج می‌شوند، به عنوان مانعان از سبیل‌الله شناخته شده و مستحق خشم الهی در دنیا و آخرت هستند. نویسنده در این مطلب با مراجعه به آموزه‌های قرآن، علل و آثار بازداشتن مردم از انجام مناسک حج را تبیین کرده است.

اهمیت برگزاری مناسک حج

با نگاهی به آثاری که قرآن برای مناسک حج بیان کرده به روشنی اهمیت و ارزش حج و جایگاه والای آن در آموزه‌های وحیانی قرآن دانسته می‌شود. خداوند در آیات قرآن آثاری را برای حج بیان کرده که شامل آموزش همه گناهان حج گزار و پاکیزگی روحی وی (بقره، آیه ۲۰۰)، تقویت دیانت مردم (مائده، آیه ۹۷)، توشه خیر برای آخرت (بقره، آیه ۱۹۷، حج، آیات ۲۷ تا ۳۰)، جلب خشنودی خداوند (مائده، آیه ۲)، لغو هرگونه امتیاز گروهی و طایفه‌ای (بقره، آیات ۱۲۵ و ۱۹۹، حج، آیات ۲۵ تا ۲۸)، بهره‌مندی از منافع مادی دنیوی و کسب درآمد و رشد و رونق کسب کار (حج، آیات ۲۸ و ۳۶)، ایجاد اجتماعی مردمی و قوام برپایی اجتماع (مائده، آیه ۹۷) و مانند آنها می‌شود.

در اهمیت حج همین بس که خداوند حجه‌الاسلام را برای همه مکلفان در صورت استطاعت مالی و بدنی واجب کرده (آل‌عمران، آیه ۹۷) و آن را از شعائر اسلامی قرار داده و از همگان خواسته است تا این شعائر را تعظیم دارند (مائده، آیه ۲)

از نظر آموزه‌های قرآن، حج عبادتی ارزشمند و با اهمیت (بقره، ایسه ۱۸۹؛ آل‌عمران، آیه

۹۷) و مصادیق نیک و تقوا و مناسک آن به عنوان شعائر بزرگ الهی مطرح است. (مائده، آیه ۲) بنابراین کسی نمی‌تواند هتک حرمت این عبادت عظیم و با اهمیت نماید؛ چرا که خداوند در آیه ۲ سوره مائده بر لزوم تعظیم مناسک حج و نشانه‌های آن و اجتناب از هتک حرمت آنها تأکید کرده و جلوگیری از اجرای مناسک حج را گناه و تجاوز شمرده است.

چنان‌که گفته شد حج از مهم‌ترین فروعات اسلامی است که به عنوان

شعائر بزرگ الهی نمادی از اسلامیت انسان است و همان‌طوری که نماز جداکننده ایمان و کفر است، حج نیز جدا کننده ایمان و کفر است. از همین رو ترک آن را به بعد در صورت استطاعت، کفر شمرده است. از نظر قرآن مناسک حج به سبب اهمیت در تولی و تبری نمادی از عبادت سیاسی و اجتماعی است.

خداوند می‌فرماید: و این آیات، اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج؛اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند، با این حال اگر از کفر توبه کنید، آن برای شما بهتر است و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درماده نخواهید کرده و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده. (توبه، آیه ۳)

این آیه بصراحت اعلام می‌کند ایام حج، فرصتی مناسب برای اعلان مواضع اسلام در برابر کفر است و مردم با آمدن در این مراسم با اعلان تولی نسبت به خدا و پیامبر(ص) و تبری و برائت جویی نسبت به کفر و طاغوت، به طور رسمی مواضع خویش را اعلام می‌کنند. این در حالی است که خداوند اجتناب از هرگونه بیپهوه‌گویی و باطل‌سرابی در مراسم حج را توصیه کرده است. (توبه، آیه ۳۰) این بدان معناست که اعلان برائت از کفار و مشرکان نه تنها یک امر خلاف شرع نیست بلکه از اجرای لازم و واجب حج اکبر ابراهیمی است. بنابراین، مانع تراشی در اجرای این شرط و این بخش از حج اکبر به معنای هتک حرمت و

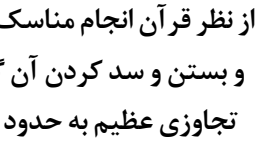
قرآن کریم از هرگونه تغییر،

محفوظ و بسه تصریح خود، هرگونه اختلاف ناشی از تصرف بسبری در آیات آن مردود است. باذقت در آیاتی که

ذکر سرگذشت عبرت‌آموز قوم مُثود پرداخته به خوبی درمی‌یابیم که نه تنها ذره‌ای تناقض و تضاد در نیست، بلکه با ظرافتی به غایت دقیق، واقعه‌ای واحد را با چند بیان، که همگی بـه نوعی مکمل یکدیگرند، همچون حلقه‌های زنجیر به هم متصل می‌کند و یکپارچه و واحد، به بیان ماقوع می‌پردازد. در نوشتار حاضر شبهه مربوط به چرایی عذاب قوم ثمود و ارتباط آن با ناقه صالح بررسی شده است.

قرآن کریم با صراحت هرچه تمام، وجود هرگونه اختلاف، تناقض، تضاد و باطل را از ساخت مقدس خود دور می‌داند.^(۱) زیرا از جانب خداوند حکیم و علیم نازل شده^(۲) و علم مطلق او به همه‌چیز، مانع نفوذ باطل در کلام اوست. قرآن کتاب هدایت است و در طی ۲۳ سال بر قلب مبارک پیامبر رحمت فرود آمده است. پراکندگی موضوعات قرآن در میان آیات متعدد و سوره‌های گوناگون، مانع یکپارچگی آن نیست. برای به دست آوردن نظر قرآن راجع به یک موضوع خاص، به جمع آوری همه آیات و بررسی آنها در کنار هم نیازمندیم. برخی از آیات ممکن است در نگاه اول با هم اختلاف داشته باشند. ولی با تأمل در همه آیات به صورت یکپارچه، اختلاف برمی‌خیزد و اتلاف می‌نشیند. کسانی که به انگیزه خرده‌گیری بر

آیات یا جستن نقض‌ها و ضغها به قرآن مراجعه می‌کنند، به خیال خود به آنچه می‌خواهند می‌رسند؛ چون هدفی جزیر آن ندارند! آنها نمی‌خواهند قرآن را کتاب خدا و عاری از هرگونه نقض بیابند؛ از این رو به منشاهات جنگ زده^(۳) و بر اختلافات ظاهری تکیه می‌کنند. قرآن کتاب هدایت است برای متقین^(۴)؛ کسانی که با فطرت پاک و دور از آلودگی به شوق علمی و شهوت عملی به فهم این می‌رسند و مقصود خود را در آن می‌یابند و با ریسمان قرآن به حقیقت پیوند می‌خورند.^(۵) در ادامه یکی



از نظر قرآن انجام مناسک حج، سبیل‌الله و بستن و سد کردن آن گناهی بزرگ و تجاوزی عظیم به حدود الهی است که خداوند وعده عذاب در دنیا و آخرت به مانعان و مسدودکنندگان راه خود را داده است.

سد سبیل‌الله خواهد بود.

خداوند در آیات قرآن از جمله آیه ۲ سوره مائده بصراحت جلوگیری از انجام و اجرای مناسک حج را به عنوان گناه و تجاوز نسبت به حدود الهی معرفی کرده و فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعائر خدا و ماه حرام و قربانی بی‌نشان و قربانیهای گردن‌بنددار و راهبان بیت‌الحرام را که فعل و خشنودی پرورگار خود را می‌طلبند، نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید می‌توانید شکار کنید و البته

ممانعت از حج از دیدگاه قرآن

■ **فرزاد کرمی**

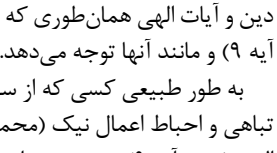
نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجدالحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد و در نیکوکاری و پرهیزگاری یا یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی، دستیار هم شوید و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (مائده، آیه ۲)

از نظر قرآن انجام مناسک حج، سبیل‌الله و بستن و سد کردن آن گناهی بزرگ و تجاوزی عظیم به حدود الهی است که خداوند وعده عذاب در دنیا و آخرت به مانعان و مسدودکنندگان راه خود را داده است. از نظر قرآن «سبیل‌الله» راهی است که خداوند برای بندگان خود تعیین کرده تا مطابق آنچه دستور داده و دعوت نموده آن را بپیمایند (التبیین، ج ۲، ۱۴۳) و به گفته برخی هر چیزی است که به رضای خدا منتهی شود. (المیزان، ج ۲، ص ۲۸۵) در مقابل این واژه، «سبیل طاغوت» است. (نساء، آیه ۷۶)

بنابراین، کسانی که از راه خدا جلوگیری می‌کنند، در راه طاغوت گام برمی‌دارد و خود طاغوتی و از اصحاب طاغوت است. پس پذیرش ولایت چنین افرادی جایز نیست و مبارزه با طاغوت و اهل طاغوت لازم و ضروری دین است. خداوند در آیه ۷۶ سوره نساء بصراحت به تضاد و تقابل میان راه خدا و راه طاغوت اشاره کرده و می‌فرماید: کسانی که ایمان آورده‌اند و در راه خدا مقاتله و جهاد می‌کنند و کسانی که کافر شدند در راه طاغوت به جنگ می‌روند.

خداوند در آیه ۶ سوره لقمان می‌فرماید به تمسخر گرفتن راه خدا، از اهداف رواج‌دهندگان سخنان بیپهوده است و بر اساس همین آیه شکی نیست که استهزای راه خدا، در پی دارنده عذابی ذلت‌بار است. از نظر قرآن کسانی از راه خداوند اعراض می‌کنند که چون یهودیان مردمانی منحرف بوده (نساء، آیه ۱۶۰) و قیامت را به فراموشی سپرده باشند (ص، آیات ۲۶)

خداوند در تبیین علل و عوامل اعراض از سبیل‌الله به اموری چون نفاق (منافقون، آیات ۱ و ۲)، رفتار زشت (غافر، آیه ۳۶)، سوداگری با



دین و آیات الهی همان‌طوری که دولت سعودی انجام می‌دهد (توبه، آیه ۹) و مانند آنها توجه می‌دهد. به طور طبیعی کسی که از سبیل‌الله اعراض می‌کند باید در انتظار تباهی و احباط اعمال نیک (محمد، آیات ۱ و ۲۷)، سرزنش و توبیخ الهی (توبه، آیه ۹)، محرومیت از رحمت الهی (اعراف، آیات ۴۴ و ۴۵)، عذاب بزرگ الهی (نحل، آیه ۸۸) و مانند آن باشد.

تهدید خداوند به عذاب بزرگ نسبت به اعراض کنندگان از راه خدا بیانگر آن است که چنین عملی جزو گناهان کبیره است. پس اگر اعراض از راه خدا چنین آثاری دارد به طور اولی باید گفت کسانی که مانع در راه خدا می‌شوند و از رفتن مردم در مسیر سبیل‌الله جلوگیری می‌کنند و راه را برایشان برای انجام مناسک حج می‌بندند گناهی بزرگ‌تر مرتکب می‌شوند و باید خود را برای عذابی دردناک‌تر آماده سازند.

به سخن دیگر، اگر فرجام اعراض کنندگان از راه خدا، دوزخ و جلودانگی در آن است، باید این حکم را برای رانندگان سبیل‌الله سخت‌تر دانست که نمی‌گذارند مردم حج خویش را انجام دهند و به مناسک الهی و واجب اسلامی خویش بپردازند.



مانعان از راه خدا و حج‌گزاری

قرآن افراد و گروه‌هایی را به عنوان مانعان از راه خدا معرفی می‌کند که شامل احبار و دانشمند دنیاپرست دین فروش (توبه، آیه ۳۴، آیه ۳۵) کتاب دشمن اسلام و قرآن و پیامبر (آل‌عمران، آیه ۹۹)، رهبانان مسیحی (توبه، آیه ۳۴)، ابلیس و شیاطین (عنکبوت، آیه ۳۸، زخرف، آیه ۳۷)، عهدشکنان (نحل، آیه ۹۴)، کافران (ابراهیم، آیات ۲ و ۳؛ نحل، آیه ۸۸)، محمد، آیه ۳۲ و آیات دیگر)، مشرکان (بقره، آیه ۲۱۷، توبه، آیه ۸۹)، منافقان (مجادله، آیه ۱۶؛ منافقون، آیات ۱ تا ۴)، یهود (نساء، آیه ۱۶۰) و مانند آنها می‌شود.

ممانعت از حج، محاربه با خدا

از نظر قرآن جلوگیری از راه خدا مانند جلوگیری از انجام مناسک حج که دولت سعودی انجام داده، گناهی بزرگ‌تر از جنگیدن در ماههای حرام در نزد خداوند است. از تو درباره ماهی که کارزار در آن حرام است می‌پرسند بگو: «کارزار در آن، گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و بازداشتن از مسجدالحرام [حج]، و بیرون راندن اهل آن از آنجا، نزد خدا [گناهی] بزرگتر، و فتنه [فَسْرک] از کشتار بزرگ‌تر است.» و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند- شما را از دینتان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کاردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود.» (بقره، آیه ۲۱۷)

براساس این آیه ممانعت از راه خدا از جمله حج و مناسک آن به معنای فتنه‌گری است که خود‌بدتر از قتل و کشتار و جنگ است. کسانی مرتکب این اعمال می‌شوند که کافر به حکم الهی باشند و در سیطره و ولایت شیطان درآمده و ولایت طاغوتی شیطان را پذیرفته باشند.

منظور عده‌ای از آنها شبانه به خانه او هجوم آوردند تا کار او را یکسره کنند. اما خداوند با پرندگانی نامرئی و بوسيله سنگ‌هایی که بر سرشان فرود آمد، آنها را کشت و در نیت شوشمان ناکام ماندند. بعد از این جریان و بعد از انعام سه روز مهلت، عذاب دوم که همان کشته‌شدن باقی قوم بود بوسيله صيحه آسمانی یا همان صاعقه بود، اتفاق افتاد و به هلاکت همه آنها منجر شد.

سر اختلاف در بیان عذاب‌های قوم ثمود
در مورد اختلاف آیات سوره‌های اعراف، قمر، هود، شمس و شعرا در ذکر نوع عذاب قوم ثمود، گفتنی است آیاهی که در آن از کلمه عذاب استفاده شده، حاوی واژه‌ای عام است که مصادیقی دارد و این مصادیق در آیات دیگر بیان شده است. پس کلمه رجه، صیحه و صاعقه، همگی مصداق عذابند و نمی‌توان به دلیل اختلاف ظاهری الفاظ، بـه تناقض حکم کرد.
ناتبا تفاوت ظاهری میان نوع عذاب نیز با تأمل در آیات از میان می‌رود.

آنها و در مرحله بعد، باقی افراد قوم هاک می‌شوند؛ اما این بار به سببی که پیامی دربردارد و به مخاطب هشداری می‌دهد که در صورت عبرت نگرفتن و توجه نکردن به سرگذشت پیشینیان، به سرنوشت مشابه آنها دچار خواهند شد.
عذاب قوم ثمود چه بود؟
آیاتی که به بیان سرنوشت قوم ثمود پرداخته‌اند، در چند سوره مختلف پراکنده است. ابتدا برداشت کلی از آیات را بـیان کنیم و سپس به ذکر ارتباط میان آنها می‌پردازیم:
- سبب «ناقه» را بی کردند... - در نهایت در سوره شمس فراگرفت و در خانه‌هاشان کشته شدند...
- در سوره شعرا بدون اینکه به نوع عذاب اشاره کند، تنها هلاکت آن قوم، در پی کشتن ناقه را بیان می‌کند.
- درجای دیگر، بدون اینکه سخن از کشتن ناقه به میان بیاید، توطئه علیه جان صالح نبی را علت نابودی قوم ثمود معرفی می‌کند.^(۱)
- در سوره قمر باز هم به بنیمن کلمه علت نابودی قوم ثمود، کشتن ناقه است؛ با این تفاوت که این بار قاتل، یک نفر است نه چندنفر.^(۲)
_ در نهایت در سوره شمس علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد: قوم ثمود با سرپیچی از دستور الهی و کشتن شترپنجه، مستوجب عقاب شدند. وقتی حضرت صالح به آنها سه روز مهلت داد، با هم قرار گذاشتند که صاعقه که سبب لرزیدن دل‌ها تا سرحد مرگ می‌شود و ترس

همان قضیه بی کردن ناقه و هلاک‌شدن قوم ثمود بیان می‌شود.^(۳)
طبق نظر غالب مفسران و بنابر گواهی تاریخ، قوم ثمود به دو عذاب دچار شدند؛ البته با این توضیح که در مرحله اول، تعدادی از سرانجام زمین لرزه آنها را فرا گرفت. طبق ادین دو آیه، قوم ثمود به علت بی کردن و کشتن ناقه، به زمین‌لرزه گرفتار شده و هلاک گشتند.
_ به علت اینکه مردم، ناقه را به علت آوردند، صیاحی آنها را از پای درآوردند، صیاحی آنها را

معارفMaaref@Kayhan.ir



عوامل ممانعت از حج

از نظر قرآن عواملی چند در اتخاذ این رفتار و رویه مؤثر است که مهمترین آنها عبارتند از: استکبارورزی منافقون، آیه ۵)، زیبا جلوه دادن بذرکاپها (عنکبوت، آیه ۳۸)، ثروت و امکانات مادی فریبنده در دست افراد فرعون صفت (یونس، آیه ۸۸)، حق ناپذیری و ناتوانی از شنیدن سخن حق (هود، آیات ۱۹ و ۲۰)، کسب درآمد و سوداگری با آیات الهی و دین فروشی (توبه، آیه ۹)، کفر و بی‌ایمانی (نساء، آیه ۱۶۷، محمد، آیه ۱، منافقون، آیات ۳ و ۴)، ظلم و ستم (نساء، آیات ۱۶۷ و ۱۶۸)، کوردلی و نداشتن بصیرت (هود، آیات ۱۹ و ۲۰) و نفاق و دورویی (منافقون، آیه ۲) باید توجه داشت که براساس آیه ۲۱۷ سوره بقره و روایات تفسیری، حج از مصادیق سبیل‌الله است؛ چنان‌که براساس آیه ۸۸ سوره نحل و روایات تفسیری، کعبه خود سبیل‌الله شمرده شده است. اصولاً هر چیزی که انسان را به خدا برساند و به بهشت وارد کند، سبیل‌الله می‌باشد لذا دین اسلام به عنوان سبیل‌الله در آیات قرآن مطرح می‌شود.

آثار ممانعت از حج

کسانی که مانع سبیل‌الله هستند و راه را بر سر مۇمان در انجام اعمال عبادی چون حج و جهاد (بقره، آیه ۲۷۳) و نماز می‌بندند، از سوی خداوند کیفر می‌شوند. اعمال و رفتار زشت آنها آثار و پیامدهائی دارد که در اینجا به شرح آن‌ها اشاره می‌شود: احباط عمل و از دست رفتن آثار اعمال نیک و صالح (محمد، آیه ۳۲)، خسران ابدی (هود، آیات ۱۹ تا ۲۲)، ضرر به خویشتن (همان)، گمراهی و محرومیت از هدایت الهی (نساء، آیات ۱۶۷ و ۱۶۸) و محرومیت از مغفرت و آمرزش الهی (نساء، آیه ۱۶۸).

از نظر قرآن کسانی که مانع از انجام مناسک حج می‌شوند مستکبر و شیطانی و طاغوتی و کافر و منافق و مشرک هستند و به عنوان سوداگران دین باید با آنان برخورد کرد. مقاومت در برابر این افراد همانند مقاومت در برابر طاغوت، ضروری است

خداوند در آیاتی از قرآن به مردم هشدار می‌دهد ممانعت از راه خدا، موجب عقوبت و کیفر الهی است (نساء، آیات ۱۶۷ و ۱۶۸؛ اعراف، آیات ۴۴ و ۴۵؛ انفال، آیات ۲۶ و ۴۷، توبه، آیه ۳۴ و آیات دیگر) به هر حال کسانی که مردم را از انجام مناسک عبادی سیاسی و اجتماعی حج باز می‌دارند و اجازه نمی‌دهند تا آنها در کنگره جهانی حج حاضر شوند و تولی و تبری نمایند و شعائر عظیم الهی را به جا آورند، به عنوان مانعان راه خدا بشمار می‌روند و خداوند آنان را به عنوان گناهکار و مجرم تلقی کرده و به عذاب دردناک در دنیا و آخرت تهدید نموده است. از نظر قرآن کسانی که مانع از انجام مناسک حج می‌شوند مستکبر و شیطانی و طاغوتی و کافر و منافق و مشرک هستند و به عنوان سوداگران دین باید با آنان برخورد کرد. مقاومت در برابر این افراد همانند مقاومت در برابر طاغوت، ضروری است و باید کاری کرد که حاکمیت طاغوت بر بلاد اسلامی و به ویژه حرمین شریفین بلکه حرم الهی قدس در فلسطین از میان برود و اسلام و مسلمانان بر آن حاکمیت یابند.

شدیدی را در دل‌ها می‌افکند، عذاب شدند و همه مردند.
سبب نزول عذاب بر قوم ثمود
در شمار قابل توجهی از ترجمه‌ها، «عقر» به بی کردن ترجمه شده است که ترجمه دقیقی نیست. همین امر باعث توهم عدم مناسبت جرم و عذاب شده است؛ در حالی که علت عذاب قوم ثمود، تنها شکستن پای ناقه یا صرفاً پی کردن آن نبوده؛ بلکه عذاب آنها نافرمانی از قوانین الهی و تجری بر خداوند بود که با کشتن ناقه به اوج خود رسیده بود. آنها خود از صالح خواسته بودند تا برای اتمام حاجت از جانب خدا شتری را از دل گاو بیرون بیاورد و آنان اگر چنین صحنه‌ای را ببینند، ایمان می‌آورند؛ اما چون خواسته آنها برآورده شد، ساز ستیز نواختند و با کشتن ناقه مصمم شدند. «عقر» به معنای نحران است و کلمه «نحر» و «عقر» به معنای طریقه خاصی است که به آن طریقه شتر را سر می‌برند؛ یعنی پای حیوان را بسته رو به قیله می‌شاندند و سپس با کارد رگ گردنش را قطع می‌کنند و چون سست شش سرش را می‌برند^(۱) از این رو جرم آنان تنها کشتن ناقه نبود تا میان جرم و مجازات تناسبی نباشد؛ جرم آنان غرق شدن در نافرمانی خدا و فساد برپاآوردن در میانشان بود. صالح آنان را از بدرقاری نهی کرده؛ ولی او را مسخره کرده و به آزار وی روی آوردند و چون با کشتن ناقه همه تلاش‌ها را به بن‌بست کشانده، به عذاب الهی دچار شدند.
راه‌های مۇمنان
برطبق تصریح قرآن کریم همه قوم ثمود هلاک نشدند؛ بلکه مۇمنان را به رحمت خود نجات داد. همواره روش خداوند در سرکوبی ظالمان چنین بوده است که با نجات گروه مۇمنان و حق جویان، تنها معاندان و مخالفان لجاج را به عقوبت دچار می‌کند. در مواردی که برخی از مۇمنان هم جزو هلاک شدگانند، جایی است که با ترک امر به معروف و نهی از منکر، نسبت به رفتار کافران، بی تفاوت بوده و موجبات تجری آنان را فراهم می‌کرده‌اند.

کلمه «جرّفة» به معنای لرزیدن و اضطراب شدید است؛ مانند زلزله در زمین و تلاطم در دریا^(۱) «جرّافین» در آیه ۹۴ سوره هود و آیه ۹۴ سوره اعراف آمده از ریشه «جرّوم» است به معنای دیگر نوعاً صاعقه‌های آسمانی بدون صیحه و صدای هولناک و نیز بدون زلزله نیست؛ چون معمولاً این گونه صاعقه‌ها باعث اهتزاز جو می‌شود و اهتزاز جوی نیز وقتی به زمین می‌رسد، باعث لرزیدن زمین شده، ایجاد زلزله می‌کند. ممکن است گفته شود که وجه تسمیه «صاعقه» به «جرّفه» این است که صاعقه باعث تکان خوردن دل‌ها و لرزیدن اندام آدمی است. با این توضیح، توهّم تناقض، مرتفع می‌شود. زیرا قوم ثمود با همان صاعقه که سبب لرزیدن دل‌ها تا سرحد مرگ می‌شود و ترس

تسمیه «صاعقه» به «جرّفه» این است که صاعقه باعث تکان خوردن دل‌ها و لرزیدن اندام آدمی است. با این توضیح، توهّم تناقض، مرتفع می‌شود. زیرا قوم ثمود با همان صاعقه که سبب لرزیدن دل‌ها تا سرحد مرگ می‌شود و ترس

صفحه ۶

یکشنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۵
۹ دیچیه ۱۴۳۷ - شماره ۲۱۴۳۹

چراغ راه لزوم پرهیز از خودشیفتگی

قال الامام علی(ع): «یاک و الاعجاب بنفسک والنقه بما یعجبک منها»

امام علی(ع) به مالک اشتتر فرمود: مبدا هرگز دچار خودپسندی (و خودشیفتگی) گردی! و به خوبی‌ای خود اطمینان کنی!^(۱)

۱- نهج البلاغه- نامه ۵۳

حکایت خوبان نشانه رضایت الهی

در حدیث قدسی وارد شده که حضرت موسی(ع) به خداوند عرض کرد: پروردگار! نشانه رضا و خشنودیت از بندهات چیست؟ خداوند به او وحی فرستاد: هرگاه دیدی که بندهام را برای اطاعت مهیا کرده‌ام، و او را از محصیت بازداشته‌ام این خود نشانه رضایت و خشنودی من است و هرگاه دیدی که خودت مساکین را دوست داری و با جباران و ستمگران دشمن هستی، این نیز نشانه رضایت من است.^(۲)

همچنین در حدیث قدسی دیگر از پیامبر اسلام(ص) نقل شده است که هرگاه بدانم بنده‌ام، غالباً به ذکر من مشغول است، او را متمایل به درخواست و مناجات با خود می‌نمایم. پس هرگاه بنده من این چنین شد، اگر بخواهد خطایی مرتکب شود و به اشتباه بیفتد، بین او و خطایش حایل و مانع می‌شوم، که اشتباه نکند، آنان به حق، دوستان من هستند. آنان دلبران واقعی هستند، آنان، کسانی هستند که هرگاه بخواهم اهل زمین را هلاک گردانم و آنها را عقاب نمایم، به خاطر آن قهرمانان، هلاکت و عقوبت را برمی‌دارم.^(۳)

۱- سخن خدا (کلیات احادیث قدسی، سیدحسن شیرازی، ص ۱۹۷
۲- همان، ص ۱۹۸

پرسش و پاسخ محاسبه نفس

پرسش:
محاسبه نفس چیست و راهکارهای انجام آن کدام است؟
پاسخ:
در بخش نخست پاسخ به این سؤال به جایگاه و نقش محاسبه نفس در تکامل انسان و بحث مشارطه به عنوان اولین راهکار حسابرسی از نفس اشاره کردیم. اینک در بخش پایانی دنباله مطلب را پی می‌گیریم.
۲- مراقبه
چون انسان با خود عهد و پیمان کرد که از گناهان دوری کند و همه کوشش خویش را صرف انجام واجبات و کسب خشنودی خداوند نماید، زمان وفای به این عهد و پیمان می‌رسد و چون نفس برای انجام گناهان و پیروی از شهوات آمادگی بیشتری دارد، ناخودآگاه بدان سو کشیده می‌شود. به همین جهت انسان پس از مشارطه برای اجرای عهد و پیمان باید مراقب و مراقب خود باشد و بدون مراقبه نمی‌تواند خود را از وسوسه‌های شیطان و راه‌های انحرافی نجات دهد (اصلاح صدق(ع) در این رابطه می‌فرماید: «ذا اوبت الی فراشک، مهینما علی نفسه، مراقبا قلبه، حافظا لسانه» سزاوار است که انسان بر نفس خود مسلط باشد و قلب و زبان‌ش را مراقبت نماید. (شرح غررالحکم، ج ۶، ص ۴۴۵)

۳- محاسبه
محاسبه یعنی اینکه انسان در هر شبانه‌روز، وقتی را معین کند تا در آن خود را حسابرسی کند و طاعات و معاصی خود را بسنجد و اگر دید معصیتی از او سر زده یا تقصیر نموده است، از خداوند طلب بخشش کند و تصمیم بگیرد که دیگر چنین کاری را انجام ندهد. امام صادق(ع) در این رابطه می‌فرماید: «ذا اوبت الی فراشک، فانظر ما سلکت فی بطنک و ما کسبت فی یومک و اذا نرک انک میت و ان لک معاد» وقتی در رختخواب قرار می‌گیری، ببین (در طول روز) چه خورده‌ای و چه به دست آورده‌ای و به یاد داشته باش که تو خواهی مرد و به سوی خدا باز خواهی گشت (از تو در قیامت حسابرسی خواهد شد) (بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۶۷)

۴- معاتبه
معاتبه یعنی اینکه انسان پس از محاسبه چون دید مرتکب گناهانی شده و یا واجبی را انجام نداده، خود را سرزنش و ملامت کند، مثلاً خطاب به نفس بگوید: ای نفس! تو مرا هلاک کردی و به زودی در آتش جهنم با شیاطین و بدکاران عذاب خواهی شد! ای نفس اماره! آیا نمی‌دانی که در مقابل تو بهشت و جهنم است و تو به زودی داخل یکی از اینها خواهی شد؟

۵- معاقبه
برای اصلاح، تنها سرزنش و ملامت کافی نیست، بلکه باید نفس را در برابر گناهانی که مرتکب شده، مجازات و معاقبه کرد و برای هر گناهی مجازات مناسب آن را قرار داد. مثلاً اگر لقمه حرامی خورده است یا گرسنگی دادن به نفس، او را مجازات نماید.
بر ادحوالات برخی عرفا آمده است که با روزه، نماز، صدقه و برخی دیگر از امور مادی و معنوی خود را معاقبه می‌کردند.



لزوم اصلاح مفاسد اخلاقی سالک در جوانی

(بدان ای سالک راه خدا!) ای عزیز! اولاً، مگذار مفاسد اخلاقی یا عملی در مملکت ظاهر و باطنت وارد شود که این خیلی سهل‌تر از دفع آن است... و اگر وارد شد، هر چه دیرتر درصدد رفع آن بربی، زحمت ز یادتر گردد... شیخ جلیل ما آقای شاه‌آبادی، روحی‌فداه، فرمودند که تا قوای جوانی و نشاط آن باقی است، بهتر می‌توان در مقابل مفاسد اخلاقی قیام کرد و خوبتر می‌توان وظایف انسانیانه را انجام داد. مگذارید این قوا از دست برود و روزگار پیری پیش آید که موفق شدن در آن حال مشکل است.^(۱)

۱- شرح چهل حدیث، امام خمینی(ره)، ص ۹۴

صفحه معارف روزهای یک‌شنبه، سه‌شنبه و پنج‌شنبه منتشر می‌شود
تلفن‌های مستقیم: ۰۲۳۹۴۱۹۹۱ - ۰۲۳۲۱۰۲۲۲۱